

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

ج ۵: بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

خلاصه جلسه قبل؛ زیارت تحول آفرین؛ از حداقل تا حداکثر، از علامت تا رکن زندگی مومنانه، از امروز تا آینده قریب

در بحث تحول فرهنگی منبعث از جریان حسینی عرض کردیم که؛

- انسان، به میزان گره خوردن با جریان حسینی، هم تاثیر می‌پذیرد و متحول می‌شود، و هم تاثیر می‌گذارد. در این سیر، یکی از مداخلی که روایات برای ما پررنگ می‌کنند، بحثی است با عنوان «زیارت».

- «زیارت» از یک فضای حداقلی شروع می‌شود و تا یک فضای حداکثری امتداد پیدا می‌کند. در میان زیارت اهل بیت علیهم‌السلام، تاکید بر «زیارت حسینی» به ویژه «زیارت اربعینی» وجود دارد.

- یک سوال و دو فرضیه پیش روی ما قرار دارد. سوال اینکه آیا از تطبیق جریان واقع شده بر زائر که روایات از آن سخن می‌گوید از یک سو، و از سوی دیگر پدیده عظیمی که امروزه در ایام اربعین وجود دارد، می‌توان به چنین نتیجه ای دست یافت که تحولی فرهنگی، به شکلی گسترده پیش روی ما قرار دارد؟ و دو فرضیه آنکه یا جامعه بشری آنقدر در منجلا ب فرو رفته و در آستانه عذاب است که این اجتماع عظیم برای طهارت و غفران افعال گذشته او شکل گرفته است و یا اینکه صحنه های عظیمی در پیش رو می باشد که جامعه بشری نیازمند غفران، رحمت و لقاء الله آن هم به شکل مداوم و در یک ظرفیت چند ده میلیونی است تا آثار آن را دریافت کند، حس کند، ببیند و برای آینده آماده گردد.

- روایت امام عسکری ع یکی از مشهورترین روایاتی است که به معرفی جایگاه زیارت اربعین پرداخته و آن را یکی از علائم پنج گانه ایمان معرفی می کند. وجه حداقلی معنا در این روایت، توجیه کننده چپش عناصر پنج گانه مذکور نبوده و چاره ای جز حرکت به سوی مفهوم عمیق و وجه حداکثری معنا وجود ندارد.

منابع مباحث اربعین؛ قرآن، روایت (عدد ۴۰)، تاریخی تحولات، صریح زیارت اربعین، تاریخ مسیحی، تاریخ انگلوساکسون

بحث اربعین اباعبدالله ع در آثار فراوانی برجای مانده و حداقل از چهار جهت مورد تایید است؛ قرآن، کتب روایی، تاریخ مسیحی، و تاریخ انگلوساکسون‌ها! این موضوع در همه حوزه های مذکور، مضبوط است.

از جمله منابع مربوطه، مجموعه آیات و روایات مرتبط با عدد «اربعین» است که در مصادیق مختلف مورد سخن قرار گرفته است؛ قوام تربیت، سنین قوام و پختگی، دوران آزمون، دوران تنبیه، و... بخشی از این موضوع به شکل مستقیم و بخشی با واسطه در موضوع اباعبدالله ع قابل مطالعه است.

از دیگر منابع مرتبط، مجموعه «روایات تاریخی» از تحولات طبیعت است که بکاء اهل سماوات، بکاء اهل زمین، اشیاء، موجودات همچون ملائک، خورشید و.. را از زمان شهادت اباعبدالله ع تا چهل روز بعد به شکلی عجیب مطرح کرده است. این روایات، شکل دهنده تواتر معنایی در موضوع مذکور است.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

در میان دیگر روایات مرتبط با بحث اربعین امام حسین ع، دو روایت به شکل تصریحی، بحث زیارت اربعین را در پیوند «ایمان و عمل» با ابا عبدالله علیه‌السلام مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ یکی روایت مشهور امام حسن عسکری ع در حوزه «علائم پنج گانه ایمان» و دیگری، متن ماثور «زیارت اربعین» از امام صادق ع.

بررسی متنی روایت «علائم ایمان»؛ کیفیت تا کمیت، ظرفیت حداقلی تا حداکثری، فضای فردی تا جامعه ایمانی

در تقید به مباحث مطرح در روایت امام عسکری ع باید توجه داشت اگرچه ابتدای سخن، بر «کمیت» سامان یافته است - همچون رکعات ۵۱ گانه و ذکر سایر اجزاء اما در منظومه فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت ع، پیوسته مبحث «کیفیت» بر «کمیت» ارجحیت داشته است. بر این اساس، در اولویت سنجی کیفی و کمی از جمله در رکعات ۵۱ گانه، انجام کیفی بر انجام کمی تقدم می‌یابد و توسعه کمی نوافل، پس از عمق بخشی به نمازهای واجب مورد توجه قرار می‌گیرد. به لحاظ کیفیت، بهره مندی از نماز منوط به بهره مندی از فضای ایمانی افراد است و به لحاظ کمیت، بهره مندی از نماز تا ۵۱ رکعت نیز جایگاهی ویژه دارد! ما به لحاظ فردی و به لحاظ اجتماعی، با این نقطه مطلوب دارای فاصله بسیاری هستیم.

در موضوع اربعین نیز مدعای فوق، صادق است. زیارت اربعین، به عنوان پایه و ستونی در کنار نماز، نشانگر ایمان حقیقی مومن است. فهم عمومی از تعبیر «زیارت اربعین» که در روایات، از جمله روایت امام عسکری ع مطرح شده است عمدتاً متوجه «قرائت» زیارت اربعین بوده است، حال آنکه سخن حضرت، تصریحی به محدود کردن «زیارت اربعین» به «قرآءه» آن ندارد. «قرائت»، آن حداقل رفتاری است که می‌تواند در قبال «زیارت اربعین» شکل بگیرد. انجام «زیارت فردی» به اشکالی که مورد تایید عترت بوده است نیز بخشی از این سیر است و البته «زیارت جمعی» اربعین به شکل موجود و تکامل یافته آن نیز در همین فضا قابل مطالعه است.

در تاریخ جامعه ایمانی، نقطه عطف جامع از حیث «رفتار عبادی»، آن نقطه‌ای است که جامعه به «نماز» با کیفیت، در ۵۱ رکعت برسد! نقطه عطف جامعه ایمانی از حیث «احساسات و تربیت» نیز در زمانی است که «زیارت» به ظرفیت «زیارت اربعین» از حیث محتوا و ساختار کشیده بشود! بر اساس روایت مزبور، منطقی است که اگر کسی ایمان حقیقی داشته باشد، به زیارت حسین بن علی ع از جمله زیارت اربعینی کشیده شود. زیارت اربعین، نقطه عطفی عظیم در نگرش معرفتی معصومین نسبت به مومنین شمرده می‌شود. این موضوع فراتر از زمان و فراتر از ادیان بوده و خواهد بود. اگر در زمانی، افرادی به زیارت اربعین امام حسین می‌رفته‌اند، فعلشان پیوسته مهم تلقی شده و نقطه عطف سال یا زندگی ایشان بوده است. اگر جامعه‌ای به زیارت اربعین کشیده بشود، معنایش چیست؟ یعنی آن جامعه در آستانه تحولی بزرگ قرار گرفته است.

نقطه عطف جامعه ایمانی از حیث «صفات» نیز، در زمانی است که «تعفیر بالجبین» به شکل پیوسته وجود داشته باشد. در زمانی که انسان پیشانی‌اش را در مقابل پروردگار بر خاک بگذارد و دیگر در مقابل او قد علم

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

نکند، بلکه پیوسته بر خاک باقی بماند! و اگر در جامعه، همگان در مقابل خدای متعال، پیشانی بر خاک بگذارند و آن حس سجده را در خود نگه دارند، جامعه ایمانی شکل خواهد گرفت. همچنین نقطه عطف جامعه ایمانی از حیث «رویگرد»، آن زمانی است که «والجهر ببسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» در ظرفیت حداکثری خود سامان یابد و با شروع این فعل در نماز صبح و مغرب و عشاء به وجوب، و در نماز ظهر و عصر به استحباب، در طی زندگی نیز امتداد یابد.

سرزمین ظهور؛ تحقق اجتماعی و حداکثری مفاهیم مطرح در روایت «علائم پنج گانه ایمان»

بلند گفتن «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» در نماز، یک آغاز است که می‌بایست به شبانه روز توسعه یابد و آدمی، نگاهش را صرفاً جستجوگر رحمانیت و رحیمیت خداوند قرار دهد! گوشش فقط در جستجوی رحمانیت و رحیمیت خدا باشد، زبانش فقط به رحمانیت و رحیمیت باز شود و کردارش بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم گردد. در چنین موقعیتی انسان در نقطه عطف ایمانی ایستاده است. و اگر جامعه به چنین فضایی که نیات و گفتار و رفتارش همه «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» است کشیده بشود، آن جامعه اسمش چیست؟ آن جامعه، سرزمین ظهور است؛ چرا که تحقق عینی رحمانیت و رحیمیت به شکل تام است. همه مصداق رحمت هستند و رحمت، محور همه تعاملات است.

نماز هم همین است. آن جامعه‌ای که نماز را در شکل تام خودش می‌بیند، کدام جامعه هست؟ در قرآن چه تعریفی دارد؟ «زمانی که در زمین تمکن پیدا کردند اقاموا الصلاه...». آن جامعه، جامعه ظهور است. جامعه‌ای که در اوج فضای نماز است، چه کیفی و چه کمی، جامعه ظهور است. جامعه‌ای که «التعفیر بالجبین» دارد و در قبال خدا و ولی خدا بر خاک است، نه فقط یک نفر و دو نفر، بلکه کل جامعه چنین است، اسمش چیست؟ جامعه ظهور است.

پس اینکه امام عسکری علیه‌السلام، پنج ستون را به عنوان ستون‌های زندگی ایمانی معرفی می‌کنند، این یک فضای مطالعه حداقلی دارد و یک فضای مطالعه حداکثری. تعریف و تعیین رفتارهای حداقلی برای توقف در آن نیست، بلکه برای آن است که ما را وارد فضای حداکثری نماید. یکی از ابعاد حداکثری، دیدن بعد اجتماعی - بجای فردی - در روایت است. نقل این روایت، در آستانه غیبت شکل گرفته است و نه از معصوم متقدم. پس برای ما است! و به دلیل آنکه به معرفی ارکان و علامات مومنین می‌پردازد، عملاً به ما کمک می‌کند تا طی مسیر دوران غیبت کنیم. و در این میان، تقید به «زیارت اربعین» به عنوان نشانه مومن در دوران غیبت، بسیار مهم است.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

زیارت اربعین؛ از فعل جابر تا متن درسی امام صادق ع در ریل‌های تربیتی آینده

فرض کنید می‌دانیم که «زیارت»، اثرات تحول‌آفرین دارد، خصوصاً زیارت امام حسین و به ویژه «زیارت اربعین» که نشانه ایمان است. حالا می‌خواهیم وارد بشویم. چه کار باید بکنیم؟ این روش و شیوه عترت است که ما را با «ادعیه» آموزش داده و تربیت می‌کنند تا در فضای عینی و عملی دنبال چه چیزی باشیم. ادعیه و زیارات که در قالب کلمات و جملات بیان شده است، متن درسی برای ما است. برای اینکه من و شما یاد بگیریم که چگونه حرکت بکنیم.

امام صادق ع برای تربیت اربعینی، دعایی را به شاگردشان صفوان جمال تعلیم می‌دهند. اینکه امام فضا را برای صفوان چنین باز می‌کنند، حاکی از این است که «زیارت اربعین» در آن زمان وجود داشته است. زیارت اربعین از همان ابتدا، از زمانی که جناب جابر وارد بر مزار امام حسین علیه‌السلام شد، شکل گرفت. او ابتدا غسل کرد، در حالی که می‌گریست به سوی مزار حضرت آمد، با حضرت سخن گفت، زیارت نیمه ماه رجب نسبت به حضرت را قرائت کرد و بیهوش شد!

پس از آن نیز، این ماجرا توسط افراد مختلف، با روش‌هایی فردی در قبال ماجرای حسینی دنبال شد تا آنکه امام صادق علیه‌السلام در زمان خودشان، یک متن و زیارت جدید برای ایام اربعینی مطرح کردند، یعنی فضای جدیدی باز کردند! معنایش این است که این متن مورد نیاز است و با این شیوه باید به ایام اربعین نگاه کرد. امام صادق ع، با نگاه امامت و ولایت، مسیر صحیح و دقیق این ایام را تبیین کرده و به سوی آینده این ماجرا ریل‌گذاری نمودند.

بخش اول زیارت اربعین؛ تحقق معانی و درجات «سلام» در مواجهه با ویژگی‌های امام و در جبهه حق

پس ما در ادامه، از میان دو متن مصرح مرتبط با «زیارت اربعین»، به متن جناب جابر در زیارت اربعین نمی‌پردازیم. آن متنی که مدنظر ما قرار خواهد گرفت، متن امام صادق علیه‌السلام است که مورد اعتماد مرحوم مفید، مرحوم طوسی، مرحوم ابن‌طاووس، مرحوم مشهدی و برخی دیگر از عالمان قرار گرفته است. به این زیارت نگاهی بیندازیم و بر اساس محتوا آن را دسته‌بندی کنیم.

در ابتدای روایت ذکر شده است که امام صادق علیه‌السلام به صفوان جمال می‌فرمایند: زمانی که روز بلند شد، این کلمات را ادا کن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْسَّلَامُ عَلٰی وَلِيِّ اللّٰهِ وَحَبِيْبِهِ.

سلام بر ولی خدا و حبیب خدا.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

اَلسَّلَامُ عَلٰی خَلِيْلِ اللّٰهِ وَنَجِيْبِهِ.

سلام بر دوست خدا و فرد منتجب خدا.

اَلسَّلَامُ عَلٰی صَفِيِّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِيْهِ.

سلام بر برگزیده خدا، فرزند برگزیده خدا.

اَلسَّلَامُ عَلٰی الْحُسَيْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِيدِ. اَلسَّلَامُ عَلٰی اَسِيْرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيْلِ الْعَبْرَاتِ.

سلام بر اسیر گرفتاری‌ها و اشک‌های روان

- ماجرا با چه شروع می‌شود؟ با یک مجموعه «سلام» شروع می‌شود. چند نوع از سلام نسبت به اباعبدالله الحسین ع مطرح می‌شود که از ابعاد مختلف قابل بررسی است. در بعد اول بررسی، در این مجموعه از سلام، «مشابهت حضرت و پیامبران» مورد توجه قرار می‌گیرد. حضرت با ویژگی پیامبر اکرم ص، ابراهیم و آدم ع معرفی می‌شود. چه مشابهت‌هایی؟

اولا یکی از اسامی پیامبر اکرم ص، «حبیب‌الله» است. اینجا امام حسین ع با همان اسم خوانده می‌شود؛ چیزی شبیه به عنوان پیامبر اکرم: «اَلسَّلَامُ عَلٰی وَلِيِّ اللّٰهِ وَحَبِيْبِهِ».

ثانیا: یکی از عناوینی که ابراهیم علیه‌السلام به آن ملقب است، «خلیل‌الله» است. پس از ایجاد نسبت با ماجرای پیامبر ص، نسبتی با عنوان ابراهیم خلیل مطرح می‌شود: «اَلسَّلَامُ عَلٰی خَلِيْلِ اللّٰهِ وَنَجِيْبِهِ».

ثالثا: یکی از عنوانی که برای حضرت آدم علیه‌السلام مطرح است، «صفی‌الله» است. اینجا امام حسین ع با همان صفت خوانده می‌شود: «اَلسَّلَامُ عَلٰی صَفِيِّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِيْهِ».

- در بعد دوم بررسی این سلام‌ها، «سیر ویژگی‌های امام» از بالا به پایین مورد توجه قرار می‌گیرد: از ولی و حبیب خدا، از جریان «ولایت» و «حب»، به سمت «خلیل»، «نجیب» و «صفی»، و سپس به سوی حسین «مظلوم»، «اسیر الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيْلِ الْعَبْرَاتِ». در این سیر، عملا به ما نشان می‌دهند که تا یاد اباعبدالله افتادید، ابتدا ابعاد بالایی حضرت را مدنظر قرار دهید و سپس در عمق میدان، به حسین ع که شهید مظلوم است و اسیر الکربات بپردازید. حسینی که در بعد آسمانی، ولی خدا است و ولایتش را در میدان دنیا هم آورده است. او حبیب خداست و از فضاهای بالا دستی تا میدان دنیا با همین عنوان شناخته می‌شود. خلیل و نجیب خداست و صفی خدا!! و البته این انسانی که هم نشانی از صفات الهی و هم نشانی از پیامبران است، به مظلومیت کشته شده است: «اَلسَّلَامُ عَلٰی الْحُسَيْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِيدِ. اَلسَّلَامُ عَلٰی اَسِيْرِ الْكُرْبَاتِ».

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

- پس در ابتدای زیارت اربعین یعنی مجموعه سلام ها، از سویی سیر مواجهه با صفات و ویژگی های الهی امام حسین علیه السلام مورد توجه قرار می گیرد، و از سویی مشابهت با پیامبران رویت می گردد. این نوع از معرفی نسبت به حضرت، در فضای «مرزبندی جبهه حق و باطل» مطرح می شود. این مرزبندی از همان ابتدا توسط امام صادق علیه السلام مطرح شده و همان بعد سومی از ابعاد سلام ها است که نیاز به بررسی دقیق تر مفهوم «سلام» دارد.

سلام به چه معنی است؟ اولاً «سلام» اسم خدا است. وقتی به همدیگر سلام می کنیم، یعنی نسبت خدایی و آسمانی مان را با یکدیگر تعریف می کنیم. ثانیاً سلام، منتقل کننده مفهوم «سَلِم» و امنیت است. بر این اساس، مفهومی که سلام منتقل می کند یعنی شما از دست و زبان من، از کردار اعضاء و جوارح من در سَلِم و امنیت هستید. از آسیب و گزند من در امانید. ما با یکدیگر مشکلی نداریم! ثالثاً تعبیر «سلام» به حسب نوع مخاطب، می تواند مفهوم «تسلیم» هم داشته باشد. این تعبیر در زیارت اربعین یعنی آفاجان! من نسبت به شما حرف شنو و مطیع هستم.

در این سیر، «سلام» گویای «پیوند توحیدی»، «سَلِم و امنیت» و گاهی «تسلیم» است. و مجموعه این مفاهیم، هر سه با تعبیر سلام نسبت به امام حسین ع مطرح می باشد. امام صادق علیه السلام، در بدو ورود به متن زیارت، با این مجموعه از مفاهیم، نسبت میان ما و جبهه حق و باطل را روشن کرده و از درجات هماهنگی ما با اباعبدالله الحسین ع پرده برداری می نماید.

- بر این اساس «السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ» یعنی در وجه اول، شما را به عنوان ولی خدا و حبیب خدا قبول دارم. ماجرای شما خدایی است. در وجه دوم، تهدیدی برای ولایت شما و حب شما نیستم. و در وجه سوم، من تسلیم ولایت شما و حب شما قرار دارم. ببینید چقدر مفهوم منتقل می شود؟!

«السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ. السَّلَامُ عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيهِ...» تا «السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ و...» در این سیر ابتدا میزان مرز ما با حقیقت هستی که امام است روشن می شود! مرز ما یکی است، هم مرزیم! تا وارد «سلام» می شویم جبهه تشکیل می شود. کانه می گوییم: آفاجان! من با شما هم جبهه هستم. و کلام را ادامه داده و دقیق تر می کنیم: از من در «امنیت» هستید. در جبهه با شما هستم و نه در مقابل شما! کلام را ادامه داده و دقیق تر می کنیم: نه تنها از جانب من امنیت دارید که شما امام اید و من ماموم و «تسلیم» شما هستم!

این می شود تحقق معانی و درجات «سلام». به این صورت، انسان «نسبت خود با امام» را از طریق یکایک مفاهیم مطرح در کنار «سلام» ها روشن می کند؛ از سویی با مفاهیم فضای بالادستی (...وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ... خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ... صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيهِ) تا فضای دنیا (...الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ... اَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعِبْرَاتِ)، و

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

از سوئی با مفاهیم و ویژگی‌های به ارث رسیده از پیامبران الهی، از پیامبر اکرم ص تا ابراهیم و آدم ع! گویی با ذکر «سلام» فریاد برمی‌آورد که در همه این حیطه‌ها «پیوند آسمانی» شما را می‌پذیرم، در همه حیطه‌ها از جانب من در «سَلَم و امنیت» اید، و در همه این حیطه‌ها «تسلیم» کامل و تامّ شما هستیم.

بر اساس آنچه گذشت در بخش اول این زیارت یعنی مجموعه‌ای از «سلام»ها نسبت به حضرت، محورهای ۳گانه «مرزبندی جبهه حق و باطل»، «سیر از بالا به پایین»، «مشابهت حضرت با پیامبران» روشن شده و با پذیرش «پیوند آسمانی»، ایجاد «سَلَم و امنیت» همچنین «تسلیم» بودن نسبت به ۳ محور پیش گفته، ورود به فضای حسینی و اربعینی تثبیت می‌گردد. بر این اساس، «زیارت اربعین» ما را با فرهنگی خاص وارد جریان اربعین می‌کند. «زیارت اربعین» یعنی طبق این فضا، بر محور امام، تعریف پذیرفتن و نقش آفرین بودن! اینچنین است که زیارت اربعین، علامتی از علائم مومنین شمرده می‌شود و نه قرائت ده دقیقه‌ای متن زیارت اربعین!

بخش دوم زیارت اربعین؛ شهادت نسبت به موقعیت و جایگاه اباعبدالله ع

در بخش دوم زیارت، مجموعه گواهی‌ها و «شهادت»هایی نسبت به موقعیت و جایگاه اباعبدالله ع صورت می‌پذیرد. جالب آنکه این شهادت‌ها را انسان مستقیم با امام ع مطرح نمی‌کند، بلکه با خدا حرف می‌زند!

در زیارت اربعین به ما یاد می‌دهند اول با امام صحبت کن و سپس با خدا. در روایات مختلف این مفهوم مورد توجه است که خداوند به واسطه امام عبادت می‌شود؛ «بنا عبد الله لولانا ما عرف الله» به واسطه ما خداوند عبادت می‌شود و اگر ما نباشیم خدا شناخته نمی‌شود! زیارت اربعین نیز همین سیر را دارد. ابتدا با اباعبدالله ع مواجه می‌شویم و نسبتمان را با امام روشن می‌کنیم سپس با خدا حرف می‌زنیم. البته با خدا هم که حرف می‌زنیم ابتدا نسبت نگاهمان به امام و ولی حق را تعریف می‌کنیم:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنْهُ وَّلِیْکَ وَّ اَبْنُ وَّلِیْکَ وَّ اَبْنُ صَفِیْکَ

خدایا! من یک بار به امام حسین ع گفتم که ولی خدا و حبیب او است. خدایا! همان حرف را به تو شهادت می‌دهم که او ولی تو است. یک سیر از بالا به پایین که در فرازهای قبلی آمده بودیم اینجا هم به شکل مختصر مطرح شده است: از ولایت شروع می‌شود تا شهادت. اما زیارت اربعین نگاهی را به ما منتقل می‌کند که اولاً ماجرای کشته شدن امام شهادت است، و ثانیاً این شهادت مورد توجه خدا است و خدای متعال آن را رقم زده است، و ثالثاً این نوع از کشته شدن موجب کرامت اباعبدالله ع است:

اَلْفَائِزُ بِکَرَامَتِکَ اَکْرَمَتُهُ بِالشَّهَادَةِ

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

خدایا! خون او را هدر ندادی و با شهادت او را اکرام کردی. شهادت باعث اکرام او بود. البته باید بفهمیم که چطور می‌شود باعث اکرام شود؟

وَحَبَوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ

خدایا سعادت خاص به او عطا کردی و به او اختصاص دادی

وَأَجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ

او را با طهارت ولادت برگزیدی

وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ

خدایا! او را آقای بزرگ از آقایان عالم قرار دادی.

اینجا هر آقای مدنظر نیست؛ اینجا عترت مطرح است. سیدی در میان سادات، یعنی در میان ۱۴ نور قرار دادی.

وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ

و رهبر و امامی در میان رهبرها.

اینجا هم سطح را پایین نیاوریم و هر رهبری را در نظر نگیریم. رهبری در میان اهل بیت در نظر بگیریم.

وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ

مدافعی در میان مدافعان قرار دادی.

چه جالب! با این تعبیر، بخشی از دوران اهل بیت می‌شود دوران دفاع.

وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ

خدایا دست او خیلی پر بود. آن چیز که انبیاء از علم، قدرت و معجزات داشتند، همه را در دست او قرار دادی.

وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ

او را حجت بر مجموع خلایق - نه فقط انسان - قرار دادی. آن چیز که خلق توست، او حجت بر همه است.

براستی آیا رایحه ای از این ویژگی‌ها می‌تواند به ما نیز منتقل شود؟ و چگونه؟ مثلاً اکرام به شهادت، سعادت در حیات، و طهارت در ولادت از ویژگی‌های اباعبدالله ع است؛ «أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَأَجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

الْوَلَادَةَ». آیا راهکاری برای کسب این موقعیت‌های ارزشمند وجود دارد؟ همچنانکه پیش از این، در روایات مربوط به زیارت حضرت گذشت، آمده است:

«کسی که زیارت اباعبدالله می‌کند مثل طفلی که از مادر متولد می‌شود طاهر می‌شود».

در روایت دیگر چنین آمده است:

«ترک زیارت حضرت نکنید تا چهار چیز برایتان شکل بگیرد: طول عمر، رزق زیاد، سعادت در حیات و اختتام به شهادت».

بر این اساس، رایحه‌ای از موقعیت‌هایی که برای اباعبدالله مطرح است، با پیوند زیارتی نسبت به امام، به انسان منتقل می‌شود؛ از موقعیت اولیه طیب ولادت، تا موقعیت نهایی شهادت! اگر انسان در دنیا به نقطه‌ای برسد که شهادت نصیبش بشود یعنی خدا او را گرامی داشته است. این نقطه عطف زندگی دینی و حسینی است.

بخش سوم زیارت اربعین؛ علت بذل جان و سیاست عملی حضرت در چگونگی سوق اجتماع به سوی آینده

وارد بخش سوم زیارت می‌شویم. در سه بخش پیشین، از «سلام» و چگونگی صحبت با اباعبدالله ع، همچنین از گواهی و «شهادت» نسبت به موقعیت و جایگاه حضرت سخن به میان آمد. در ادامه و در بخش سوم زیارت، از علت بذل جان حضرت و از سیاست عملی حضرت در چگونگی سوق اجتماع به سوی آینده سخن به میان آمده است:

فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحَ النَّصْحِ

بر این اساس، فضای رفتاری حضرت و روش حضرت در مواجهه با مردم، ساختن فضای «دعوت» بود و «خیرخواهی»! فضایی عاشقانه، و نه امر و نه نهی! فضایی قدرتمند و جذاب! و هیچ عذری نیز در این زمینه باقی نگذاشت. در آیه ۱۰۳ سوره شریفه آل عمران نیز از این رفتار همراه با ۲ رفتار دیگر در قبال مردم - همراه با تقدم و تاخری خاص - سخن به میان آمده است؛ ابتدا «دعوت به خیر»، سپس «امر به معروف» و نهایتاً «نهی از منکر»: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ...». این ۳ همگی در ماجرای اباعبدالله ع موجود است و البته در این فراز از زیارت، سخن از اولین و مهم‌ترین موضوع به میان آمده است: «فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحَ النَّصْحِ» عذری در دعوت باقی نگذاشت، روشش پیاده کردن کامل «دعوت» بود و «نصیحت». عاشقانه فضای «دعوت» را شکل داد. بسیار نصیحت کرد و خیرخواهی! همه آنچه ساخت، به سمت آوردن حق بود اما با زیبایی و نشاط.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

جالب آنکه در مقام تطبیق «زیارت مکتوب اربعین» با «راهپیمایی عظیم اربعین» که امروزه با عنوان «زیاره الاربعین» شناخته می‌شود، این نوع از شیوه قابل مطالعه است. آنچه که در راهپیمایی اربعین و در ظرفیت چند ده میلیونی شکل گرفته است نه فضای نهی از منکر است و نه امر به معروف! آنچه که در راهپیمایی اربعین مشهود است «دعوت به خیر» است. یعنی همان شیوه ای که قرآن به صراحت ذکر می‌کند و در زیارت مکتوب اربعین نیز نسبت به حضرت آمده است: «فَاعْزَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ النَّصْحَ».

من خود دیده‌ام کسانی را که نه اهل نماز بودند و نه اهل حجاب، اما در جریان اربعینی وارد شدند و با نماز و حجاب برگشتند! یک جریانی از نور قلب آنها را کشید، وارد فضایی با مولفه‌های دعوت شدند و بعد از مدتی، به تقید به مسائل شرعی کشیده شدند. از این میان، شخصی می‌گفت در عمرم سرم به خاک مالیده نشده بود ولی از امروز، نماز هم خواندم! این جریان مشابهات دیگری هم داشت!

وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَنْقِدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةَ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا

مهمترین موضوع حرکتی اباعبدالله ع در این فراز از زیارت مطرح شده است. آن موضوع چیست؟ هدف امام از بذل جان. خدایا! اباعبدالله ع جانش را در راه تو داد تا بندگان را از جهالت و از حیرت گمراهی و سرگردانی خارج کند. چنانکه می‌دانیم این تعبیر، یک از دو تعبیری است که از اهداف قیام حضرت - در پیوند با مهدویت - نقل شده است. برای فهم جایگاه این سخن، ضروری است که میان این دو تعبیر، مقایسه‌ای کوتاه صورت گیرد.

اولین تعبیر از خود حضرت نقل شده است: «انی لَمْ أُخْرَجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ» در چه محدوده‌ای؟ «فِي أُمَّةٍ جَدِّي». من می‌خواهم اصلاح گر در امت جد باشم. در این تعبیر محدوده زمانی مطرح نکرده‌اند. حرکتی که اباعبدالله ع در زمان صدر اسلام شروع کرد، حرکت اصلاحی برای امت جد بود. یعنی تا زمانی که امت جد اصلاح بشود، تا آنجا جریان حسینی بُرد دارد. بر اساس این سخن، جریان حسینی برای «اصلاح امت جد» ترسیم شده است. کجا به نقطه‌نهایی و نتیجه می‌رسد؟ در بخشی از عرصه مهدویت که هنوز باب توبه بسته نشده و امکان اصلاح و تغییر وجود دارد. آنجا نقطه‌ای است که اصلاح امت جد به شکل جدی واقع می‌شود.

بر اساس متن زیارت اربعین، هدف حضرت از قیام و شهادت، به شکلی دیگر نیز مطرح شده است: «نجات بندگان!» این هدف نیز همچون هدف پیشین، در بخشی از عرصه مهدویت جایگاه می‌یابد. یکی از شواهد مکمل این موضوع، آن زمانی است که امام عصر(عج) تکیه به دیوار کعبه می‌دهند و در معرفی خود چنین می‌گویند: «الَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا». با توجه به قاعده «لزوم اجلی بودن معرف به معرف» واضح است که در آن زمان، حسینیت در عالم، شناخته شده و پر رنگ است و لذا است که امام عصر(عج) خود را با

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

حسینیت معرفی می کنند. در آن زمان نیز، هدف حضرت در حال شکل گیری است. بر اساس مقایسه هدف مطرح در زیارت اربعین با هدف پیشین، به جدول زیر دست می یابیم:

روایت	هدف امام حسین ع از قیام وشهادت	دایره مخاطبین	بهانه مورد نیاز	عرصه تحقق هدف در مهدویت
امام حسین ع	طلب اصلاح	امت جد	خروج امام	پیش از بسته شدن باب توبه
امام صادق ع	نجات بخشی از جهالت و ضلالت	بندگان / سفینه اوسع	بذل خون قلب	احتجاج حضرت در بدو ظهور

بر این اساس، هدف حضرت از قیام و شهادت، در متن زیارت اربعین به شکلی فراتر از هدف مطرح در روایت دیگر مطرح شده است. این موضوع هم در مقایسه «دایره مخاطبین» با یکدیگر مشهود است و هم در مقایسه «بهانه مورد نیاز» با یکدیگر! و جالب آنکه هر دو هدف، در بخشی از عرصه مهدویت تحقق می یابد. بر اساس آنچه گذشت، هدف از «خروج» حسینی، «اصلاح امت جد» است و هدف از «بذل خون»، «اصلاح عباد» در عالم! بنابراین، ظرفیت تاثیرات حسینی بسیار بوده و برد کشتی حسینی، نه فقط تا اصلاح امت که تا خروج پهنه گیتی از جهالت و ضلالت امتداد خواهد گرفت.

این نوع از متون که از آن حرف می زنیم، ساختارهای فرهنگی آینده را معرفی کرده و افق‌های کار فرهنگی جامعه اسلامی و جهانی را روشن می کند. اگر زیارت اربعین را درست خوانده بودیم و درست فهمیده بودیم، مطمئنا متوجه می شدیم که «ان الحسین مصباح هدی و سفینه نجاه» کارکردی فراتر از امت اسلامی خواهد داشت! مطمئنا متوجه می شدیم که ضروری است تا جریان عظیم هدایت و نجات حسینی در جامعه جهانی - نه فقط اسلامی و شیعی - شکل بگیرد. اگر چنین بود می بایست منتظر می بودیم که یک جریان بزرگ اصلاحی در جامعه توحیدی و عباد خدا شکل بگیرد. حال آنکه امروز پس از وقوع این جریان عظیم، هنوز در اندر خم یک کوچه ایم! ما دو هفته پیش، همایش ملی اساتید را با عنوان «از غدیر تا اربعین» در آستان قدس رضوی در مشهد مقدس برگزار کردیم. فردی برخاست و با لحنی جدی بیان کرد که چه کسی گفته است که این جریان، در ادیان دیگر ورود می کند؟! استادی دیگر پاسخ داد که بیایید و ببینید! مسیحی‌ها را ببینید! غیرمسلمان‌ها را ببینید!

بخش چهارم زیارت اربعین؛ ویژگی جبهه باطل در مواجهه با امام حسین ع، و چگونگی برخورد ما

تا این بخش از زیارت، نسبت میان ما با امام و تاثیرات جریان حسینی، مورد دقت و صحت سنجی قرار گرفت. اینک پس از معرفی علت و هدف قیام امام حسین ع، در بخش چهارم زیارت، نیم نگاهی به جبهه مقابل می اندازیم:

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنُ عَرَّتَهُ الدُّنْيَا

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

دستشان را به دست هم دادند؛ کسانی که فریب دنیا را خورده بودند.

جنس جبهه مقابل امام حسین چیست؟ جنس دنیا و اتکاء به دنیا

وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْضِ الْأَدْنَى

سهمشان را به پستترین بخش دنیا فروختند

یک سهمی داشتند که می‌توانستند نجات پیدا کنند؛ به چه چیزی فروختند؟ به بخش پست دنیا فروختند. تعابیر، عجیب است. کسی که با امام مواجه می‌شود، روبه‌روی حضرت می‌ایستد، اینقدر فرصت نجات دارد که اگر خودش را نجات ندهد یعنی در پست ترین جایگاه‌ها است، یعنی رفته در عمق! برای چیزی خودت را بفروش که لااقل بخش‌های بالایی دنیا باشد. خودت را به چه فروختی؟

وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ الْأَوْكَسِ

آخرتشان هم به بها و ثمره بسیار کم فروختند.

این ویژگی‌ها را چگونه مطرح می‌کند؟ کسانی که با جریان حسینی مقابله می‌کنند، پست ترین‌ها در عالم هستند. یعنی از اینها دیگر پست تر نیستند. در میان جریان‌های الهی، کسی که با جریان حسینی مواجه بشود و خودش را پیوند ندهد، پست ترین آدم است؛ چون به تمام معنا «دعوت» شکل گرفته، «نصح» شکل گرفته، فضای خیرخواهی شکل گرفته، اتمام حجت شده و هیچ بهانه دیگر باقی نمانده.

وَتَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ.

غور در هوای نفس کردند، مغرور شدند.

وَأَسْخَطَكَ وَ أَسْخَطَ نَبِيكَ

خدایا! در مجموع همه این اتفاقاتی که شکل دادند، سخط تو را خریدند. سخط و ناراحتی نبی تو را خریدند.

وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ

چه کسانی فرمانده اینها بودند؟ اهل شقاوت و اهل نفاق. کارنامه اباعبدالله در دوران حیات چه بود؟ «وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ» خدایا تو سعادت را به او عطا کردی. اباعبدالله ع سعادت داشتند. امامان اهل آتش و سرآمد دشمنان اباعبدالله چه داشتند؟ اینها چه داشتند و چه دارند؟ «الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ». اباعبدالله در سعادت و در مقابل، شقاوت! ای انسان! با زیارت حسینی اهل سعادت می‌شوی. این را در آن روایت داشتیم.

وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

بار گناه را بر دوش کشیدند. آتش برایشان واجب است

فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا

خدایا! ابا عبدالله روبروی این دشمنان جهاد کرد؛ در راه تو جهاد کرد، صبر کرد و تحمل کرد

حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ

در مسیر طاعت تو تا آخرین خونش ایستاد؛ خونش ریخت و حرمش مباح شد.

عملاً در بخش چهارم از زیارت اربعینیه، نگاهی به جبهه مقابل می‌کنیم: جبهه مقابل، پست‌ترین‌ها هستند که به هیچ وجهی نتوانستند به جریان نور پر قدرت متصل بشوند. در مقابل اینها، نوع رفتار ابا عبدالله ع را می‌بینیم که ترسیم شده و در همین فضا تقاضای فرود آمدن شمشیر برای آنها می‌کنیم:

اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَ بِلَاءً وَ عَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

خدایا! یک لعن مستمر و دامنه دار، لعنی که لحظه‌ای انقطاع نداشته باشد، بر این دشمنان جاری کن! چنانکه پیوسته در شمشیر و آتش باشند و پیوسته در معرض تکه تکه شدن! چرا که اتصالی به نور پیدا نکردند، بلکه با نور که لطیف‌ترین است جنگیدند. خدایا! آنها را در اعماق فرو بر و پیوسته مشمول آسایشان کن. فرصتی فراهم نساز که به رحمت نزدیک شوند. ببینید: لعن روبروی رحمت است. اگر کسی مشمول لعن بشود، از رحمت فاصله می‌گیرد. حالا اینجا چه چیز تقاضا می‌شود؟ لعن پیوسته.

نگاهی به بخش های ۴ گانه زیارت اربعین و تطبیق آن با راهپیمایی اربعین

تا اینجا چهار فراز از زیارت الاربعین - که نشانه ایمان مومن است - را دیدیم. با این چهار فراز، اولاً شیعه تعلیم داده می‌شود که چگونه با امام حرف بزند و پس از آن، با خدا حرف بزند. با خدا هم که حرف می‌زند، ابتدا در مورد امام حرف بزند. از فراز تا فرود، از سلم بودن تا تسلیم بودن! بعد هم نگاهی به دور دست بیندازد و افق را ببیند. ببیند که جریان پر قدرت حسینی، کجای عالم را نشانه رفته است و هدف آن کجاست؟ سپس برگردد و جبهه دشمنان را ببیند که چقدر پست و خوار اند. و از خدا تقاضای عذاب شدید برای آنها نماید. فراز بعدی - پنجم - مجدداً فراز اوج گرفتن و سلام بر ابا عبدالله ع است.

در مقام تطبیق «زیارت مکتوب اربعین» با «راهپیمایی عظیم اربعین» می‌توان گفت: آنچه موجود است، در مقام تحقق و عینیت همین کلمات نورانی است. و جالب آنکه آن چیز که در زیارت اربعینیه ذکر شده است، با همین تقدم و تاخر در راهپیمایی اربعین در حال تحقق است! یعنی این سه گام، تا اینجا پیاده شده است.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۵- بررسی بخش‌های ۱ تا ۴ زیارت اربعین و تحقق آن در راهپیمایی اربعینی

بر اساس فراز اول یک سوال شکل می‌گیرد: آیا کسانی که به زیارت اربعین می‌روند، از ابتدا برای خدا می‌روند یا زیارت امام حسین ع؟ برخی از اهل توحید، برای خدا! اما در بسیاری از موارد، مقصد اول، حسین ع است! چند ده میلیون نفر نزد امام می‌روند، با امام حرف می‌زنند، عاشقانه تسلیم امام می‌شوند و البته یاد خدا هم می‌افتند! فضایی در عالم شکل گرفته است که از جمله مختصاتش «حب الحسین» است و جذب به سوی پروردگار!

بر اساس فراز دوم مبحثی متناظر شکل می‌گیرد: زائران اربعینی که با خدا سخن می‌گویند، از امام سخن‌های بسیار دارند! به عنوان نمونه، در ایام اربعین، نماز حال و هوایی دیگر دارد. انسان که با خدا سخن می‌گوید، حضور امام را بسیار حس می‌کند.

و بر اساس فراز سوم، سوالی دیگر و پاسخی موید شکل می‌گیرد: جریان اربعینی در چند سال اخیر، چه چیزی را در درون خود پر رنگ کرده است؟ آنچه که در راهپیمایی اربعین و در ظرفیت چند ده میلیونی شکل گرفته است نه فضای نهی از منکر است و نه امر به معروف! آنچه که در راهپیمایی اربعین مشهود است «دعوت به خیر» است. یعنی همان شیوه‌ای که قرآن به صراحت ذکر می‌کند و در فراز سوم زیارت مکتوب اربعین نیز نسبت به حضرت آمده است: «فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحَ النَّصْحِ». و البته طبق همین بخش، نجات، آینده و مهدویت نیز در فطرت‌ها شعله کشیده و بر زبان‌ها جاری شده است!

اگر قرار باشد زیارت اربعینه با همین تقدم و تاخر پیاده بشود، مرحله بعدی آن چیست؟ و طبق کدام نقشه؟ به نظر می‌رسد نقشه: «اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبَيًّا وَ عَذَّبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» پیش چشم‌ها پررنگ گردد. بر این اساس می‌بایست جریان اربعینی، نگاهی جدی به دشمن داشته باشد! نشانه‌اش چیست؟ از این به بعد توجه جریان اربعینی به دشمن جلب می‌شود؛ به پستی دشمن، و عزم برای مواجهه شدن با دشمن! اینک مختصات این نقشه، در حال وقوع در عالم است. این اتفاق باید بیافتد.